

فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت

شماره پیاپی ۶۴ - دوره دوم ، شماره ۴۷ - پاییز و زمستان ۹۹

مقاله شماره ۱ - صفحات ۵ تا ۲۵

آموزش و پژوهش

قدرتمندترین ابزار توسعه

(بانگاهی به آسیب‌شناسی ۸ مانع اساسی پژوهش و توسعه)

نویسنده :

دکتر حسین خنیفر

مکیده :

جهان در شرایط کنونی وارد عصر جدیدی شده است بطوریکه عصر “دانشمندی” به اتمام رسیده و عصر “روش‌مندی” جایگزین آن شده است. در واقع در جهان بعد از سال ۱۹۷۰ یک معادله مطرح گردیده و آن معادله ۱۹۷۰ کوچکتر از ۳۰ می‌باشد ($۱۹۷۰ > ۳۰$)، به عبارت دیگر تحولاتی که از قرن اول میلادی تا سال ۱۹۷۰ روی داده است، نسبت به تحولاتی که از سال ۱۹۷۰ به بعد (حدود ۳۰ سال) صورت گرفته است، کوچکتر می‌باشد. در واقع تحولات ۳۴ ساله اخیر بسیار وسیع‌تر و گسترده‌تر بوده است و این حکایت از یک تغییر و تحول عمده در رویکرد حاکم بر فرایندهای علمی، آموزشی و پژوهشی دارد. که ما در این مقاله سعی خواهیم کرد تا ضمن تشریح حرکت علمی به نقش آموزش و پژوهش در نهادینه شدن این فرایند بپردازیم. از طرفی نیز پژوهش در دنیای معاصر یکی از زیر ساخت‌های مهم توسعه بخصوص توسعه فرهنگی است و پژوهش روشمند در دنیای هزاره سوم جواز ورود به عصر اطلاعات شمرده می‌شود و نتایج آن جایمند است. از طرفی نیز این مقوله ویژگی بارزی دارد که امروزه تحت عنوان مبنای تصمیم‌گیری قلمداد می‌شود. که در این مقاله سعی شده است به این مهم در دو حوزه مهم دانشگاهی و دینی پرداخته شود و با رویکرد تاریخی- نقدگونه‌گی از طرفی سیمای گذشته مورد بررسی قرار گیرد و از طرف دیگر وضع حال و آینده را ترسیم نموده و به منظور بررسی سهم اختصاصی موانع پژوهش روشمند، هفت محور اساسی مورد بررسی و تحلیل قرار گیرند که تمام موارد یاد شده برای رقم زدن توسعه پایدار و تاثیر گذار لازم است مورد توجه قرار گیرند و غلفت در مولفه‌های هر کدام از موارد یاد شده که عبارتند از: موانع علمی، اعتبارات، منابع و ابزار، ساختارهای آموزشی، نظام آموزشی، ارتباطات داخلی و بین‌المللی، سیاستگذاری می‌تواند در رقم زدن بی‌نقشی در تولید علم یک کشور موثر باشد. بر این اساس صاحب‌نظران و ارباب پژوهش را به توجه اساسی به این هفت زیر ساخت مهم و تعیین کننده دعوت نموده و انتظار می‌رود با تسهیل فرایند پژوهش از مرحله نظر، مرحله عمل و ثمر دهی، بالندگی را در تمام ابعاد علمی، ساختاری، رفتاری و زیر بنایی مملکت خویش شاهد باشیم چرا که پژوهش قلب آموزش است و آموزش موتور توسعه.

کلید واژه :

آموزش، پژوهش، توسعه، سرمایه‌گذاری در آموزش، آموزش و فرهنگ
تولید علم، مساله یابی، پژوهش و توسعه (R & D)، موانع پژوهش آموزش و توسعه.

درآمد:

عرش خدای کرسی تعلیم است و وحی خدای مهبط تحقیق و اوست داننده و پاینده و جان دهنده و دانش افزاینده که رب العالمین است و به قلم و لوح و سخن و زمان و کلام قسم خورده است. **عین القضاة** گوید: «بودن را برگزیده‌ایم اما چگونه بودن را کمتر اندیشیده‌ایم و چگونه بودن مستلزم شناخت است و دریچه شناخت پژوهیدن»

زمانی ادعا می‌شد که برای هر مسئله پیچیده‌ای همواره راه حل ساده‌ای وجود دارد که مرور زمان ثابت می‌کند اشتباه بوده است و این ادعا درست است که برای هر مسئله پیچیده‌ای راه حل پیچیده‌ای وجود دارد که از عهده نخبگان بر می‌آید و در عصر حاضر یعنی پایان هزاره دوم (پایان عصر اضطراب) و آغاز هزاره سوم (آغاز عصر امواج) نخبگان همانا **پژوهشگرانند** چون دنیا به دنیای پژوهش، جویش و کاوش است.

امروزه ادعا می‌شود باید از **فضای علم برای علم** خارج شویم و به فضای علم برای کاربرد (عمل) وارد شویم این قاعده حتی در علوم انسانی نیز ساری و جاری است چرا که ابرام بر مبانی نظری و تئوریکها مقدمه کارند ولی ابقاء در این محدوده نوعی محصوریت و توقف را به دنبال دارد و باید از قالب‌های تئوریک به سمت و سوی قواعد کاربردی حرکت نمود. دیگر اینکه امروزه صحبت از زندگی مبتنی بردانش و پژوهش کاربردی است. لذا حوزه و دانشگاه مادر معرض **رسالت‌های** جدید است و کسالت‌ها را بر نمی‌تابد شاید سخن حضرت امام خمینی (ره) کاملترین دستور کوتاه در این زمینه باشد که می‌فرمودند (ما هیچ راهی نداریم جز خوداتکایی، خودباوری و خوداعتمادی) و البته این امر در مقوله تولید دانش و پژوهش به قاعده روشمندی بر می‌گردد ما امروزه در هزاره سوم پا گذاشته‌ایم. نیازها، نگاه‌ها، انتظارات، توقعات و تحلیل‌ها کاملاً متفاوت شده است و هر تصمیمی امروزه در دنیا چه در حوزه صنعت یا خدمات یا امور دین و روشهای زندگی بر پایه دانش و پژوهش و مقارنه لاینفک آنها صورت می‌گیرد و لازم است در مقوله توسعه نیز به سه محور توجه جدی شود، انسان، آموزش، و تعریف دقیق خود در شرایط و مناسبات جهانی.

نقش آموزش کیفی در توسعه

آموزش و پرورش بعنوان یک مقوله اجتماعی درگیر و دار تغییرات جوامع نقش اساسی دارد، اصلاحات و تغییرات عمده آن در سالهای اخیر شاهد مدعاست، هر چند که هنوز با ایده‌آلها و آرمانها فاصله دارد. با این وجود روی سخن ما در این مقاله معلمان و منابع انسانی هوشمند که جزو اموال سازمانی محسوب می‌شوند، می‌باشد و آموزش در اینجا اتفاق می‌افتد. معلمان بعنوان آسمانهای علمی، نقش عمده‌ای در کیفیت این فراگرد بر عهده دارند و بیراه نیست که گفته‌اند منابع انسانی آموزش یک مملکت آسمانهای علمی‌اند. تحولات از آموزش و پرورش نشأت می‌گیرد و قلب آموزش و پرورش “کلاس درس” است. امروزه از کلاس درس بعنوان “پایتخت دانش” نام می‌برند و مدرسه را “جمهوری علم” می‌شناسند بنابراین تمامی تحولات عصر روش‌مندی متمرکز، بر تغییرات و کیفیت کلاس درس است.

یکی از شاخصها در کلاس نیز بهره‌مندی از ابزار تحقیق است در واقع تحقیق سلف سرویس دانش است و بدون تحقیق دانش متوقف می‌شود. به عبارت دیگر آموزش و پژوهش اساس قانونی و قانون اساسی توسعه است و به همین دلیل اندیشمندان روشمند در اهمیت پژوهش گفته‌اند: بدون پژوهش تصمیم‌گیری نکنیم^(۱).

در طی دهه‌های اخیر، خصوصاً دو دهه اخیر تغییر و تحولات زیادی در ترکیب جمعیت جهان صورت گرفته است بطوریکه کشورهای توسعه یافته و توسعه نیافته از التهابات عجیبی گذاشته‌اند. با این حال در حال حاضر قسمت عمده جمعیت جهان در کشورهای با توسعه متوسط زندگی می‌کنند و همین امر موجب تعامل فرهنگ و توسعه شده است. بطوریکه بررسیها در این امر نشان می‌دهد که در کشورهایی که بعد از جنگ جهانی دوم در زمینه آموزش و پژوهش و زیرساختهای آن سرمایه‌گذاری نموده‌اند، امروز از نتیجه این سرمایه‌گذاری رضایت داشته و بهره‌برداری می‌کنند. به همین دلیل است که صاحب‌نظران در اینکه “آموزش” کلیه “توسعه” بشمار می‌رود، اتفاق نظر دارند.

زاویه نگاه دنیا در عصر حاضر :

در واقع با عمل به نقش آموزش و پژوهش در فرایند توسعه، امروز نگرش دولتها به مقوله آموزش و پژوهش از حالت حمایتی صرف تبدیل به نگاه حرفه‌ای^(۲) و تخصصی شده است. به عبارت دیگر آموزش و پرورش را نباید بعنوان یک نهاد مصرفی حمایت کرد، بلکه بایستی بعنوان یک نهاد سرمایه‌ای - تولیدی حمایت کرد، بایستی بعنوان سرمایه‌گذاری، با توجه به نقش تولیدات علمی که امروز از شاخصهای برجسته توسعه بشمار می‌رود، بدان توجه کرده و با رویکرد علمی و حرفه‌ای در آن سرمایه‌گذاری نمود به همین دلیل است که در کشورهایی که با این رویکرد در آموزش و پرورش سرمایه‌گذاری کرده‌اند امروز سربلند از این اتخاذ، جزو ملل موفق و توسعه یافته بحساب می‌آیند.

خدمت به توسعه در گرو ترویج پژوهش در آموزش است

کشورهای توسعه یافته، فرهنگ پژوهش (تحقیق) را از بدو سنین کودکی به آنان می‌آموزند و هر خردسالی در ابتداء با کاوش و چالش و مسأله‌کاوی و مسأله‌ریایی آشنا می‌شود و تلاش برای تربیت پژوهشگر (محقق) را از دوره پیش‌دبستانی و دبستانی و سنین اولیه تحصیل شروع می‌کنند و این امر را به دوران دانشگاه واگذار نمی‌کنند، از طرفی دیگر تحقیق با تدقیق و جرأت را مایه توسعه می‌دانند به همین علت نیز یکی اصول بدیهی در فرایند آموزش - تدریس (یاددهی - یادگیری) بشمار می‌آورند. در حال

حاضر محققین ما در حال “شدن” هستند و محقق در حال شدن، جرأت آموخته و وارد عرصه پژوهش به معنای واقعی کلمه می‌شوند که

قطعاً ترکیب همه اینها موجب بروز یک حرکت علمی خواهد شد و حرکت در این سمت خدمت به توسعه است که همان استمرار حیات و تضمین بقا در عصر آینده است.

ملت بدون برنامه، ملت بدون کارنامه است!

همانطوریکه گفته شد، سرمایه‌گذاری در امر توسعه و فرهنگ با رویکرد پژوهشی، موجب ثمردهی و بهره‌برداری از آینده است و چنانچه سرمایه‌گذاری در این خصوص با تبیین، تعیین و تعریف دقیق زیر ساختهای مناسب و اصولی صورت پذیرد، نتیجه بخش خواهد بود. در واقع رعایت استانداردهای مربوط به این زیرساختها موجب ارتقاء و نیل به توسعه یافتگی می‌شود هر چند که موفقیت در این چرخه، بستگی به رعایت چندین زیر ساخت اساسی است.

اول: داشتن برنامه با سه افق بلند، دور و روشن است. [برنامه‌ریزی راهبردی (استراتژیک)] در واقع داشتن برنامه با این مشخصه موجب می‌شود تا انسان از مسیر و هدف خود منحرف شده و در نیل به مقصود مطابق پیش بینی برنامه خود حرکت کند به همین دلیل است که می‌گویند هر ملتی که برنامه نداشته باشد، کارنامه (نتیجه) ندارد. و به عبارت بهتر “برج مراقبت” ندارد!

دوم: داشتن الگو و همچنین ملاکی برای محک زنی و نیز اقتباس و اهتمام در بومی سازی است. به عبارتی هر ملتی که الگوی روشن و شفاف براساس راههای نرفته شده توسط دیگران و اقتباس از راهها و مقاصد همواره براساس شرایط فرهنگی خود و بوم شناختی در مسیر توسعه ملی و بین‌المللی گام بردارد، ملتی فوق و سربلند خواهد بود و این همان رویکرد “روشنمندی” است.

سوم: تعیین شاخص و خودارزیابی ^(۳) براساس آن شاخص‌هاست. داشتن الگو، معیار و شاخص موجب محک زنی ^(۴) و بهبود تطبیقی می‌شود و این همان گام اول در مسیر رشد و توسعه است.

چهارم: تعریف فاصله با پیشرفت جهانیان است. قطعاً در جهان بسیاری از کشورها در مسیر رشد و توسعه گامهای بلندی برداشته‌اند که شناخت فاصله با آن رشد و توسعه، کمک خواهد کرد تا با علم به واقعیات و بهره‌گیری از تجربیات جهانیان در جهت کاستن از فاصله، با برنامه و کارنامه بود. بویژه در جهانی که “تغییر” و تحول از مشخصه اصلی آن بشمار می‌رود به قول استفن رابینز: تغییر و تحول اجتناب‌ناپذیر است. ^(۵)

سرمایه‌گذاری در آموزش همان سرمایه‌گذاری برای توسعه است.

سرمایه اصلی در هر دولتی، ملت (منابع انسانی) آن است و هر دولتی که برای بهره‌وری ملت خود در امر توسعه برنامه نداشته باشد، فرجامی جز نابودی و شکست در انتظارش نخواهد بود و قطعاً موفقیت و سربلندی را تجربه نخواهد کرد. اهمیت این مساله بویژه در کشورهای در حال توسعه که استقلال فرهنگی و اقتصادی را با سرمایه‌گذاری بر کیفیت بخشیدن به منابع انسانی خود بدست می‌آورند. در این خصوص آموزش منابع انسانی اثربخش را عالمانه و عاقلانه‌ترین سرمایه‌گذاری و اندوخته برای توسعه قلمداد می‌کنند. دانش‌آموزان پرتوان‌ترین طیف هر ملت بشمار می‌روند بطوری که آنها را پادشاهان مملکت نامیده‌اند بنابراین مناسب‌ترین طیف برای سرمایه‌گذاری بشمار می‌روند چرا که تضمین بقا در آینده با تمام مشخصه‌ها آماده سازی و تربیت این

گروه سنی است که بی‌توجهی به این فرایند در **چرخه توسعه**^(۶) یعنی اتلاف هزینه و از بین بردن **امید به زندگی** که امروز در این مساله تمامی صاحب‌نظران و اندیشمندان اتفاق نظر دارند.

“میچی” نیز با علم به این مساله همواره در فرایند توسعه کشور ژاپن روی سخن خود را به جوانان آن کشور می‌کند و در جهت آموزش و تربیت آنان می‌گوید: **“جهان مثل کتاب باز است، بروید تا دنیا را ببینید، تجربه کنید، یاد بگیرید و برگردید و ژاپنی بمانید.”** و نتیجه این تز و عمل (سرمایه‌گذاری) هدیه توسعه را با تمام جوانب‌اش به این کشور به ارمغان آمده است، بطوریکه با نگاهی به تولیدات علمی جهان و مقایسه جایگاه ایران در این خصوص، ما را متوجه بی‌توجهی گذشتگان به امر آموزش می‌کند و امروز این سوال مطرح است که چرا آموزش و پرورش در کشور **محور توسعه** قرار نگرفته است تا مثل **کشورهای توسعه یافته** امروز در جایگاه شایسته و بایسته خود باشیم. در حالیکه کشور اسرائیل برابر تمامی کشورهای مسلمان جهان تولیدات علمی دارد، **آمریکا (۳۱٪)** **تولیدات علمی** جهان را به خود اختصاص داده است. ما (ایران) با ۳/۵ ده‌هزارم تولید علم را داریم که تنها می‌توان به فاجعه آمیز بودن این مساله تأمل نمود؟! اگرچه جدیداً تدابیری جهت بهبود این وضعیت اندیشیده شده است؟! سال ۲۰۱۰ سال تعیین تکلیف

از زمان طرح مساله **دهکده جهانی** تا به امروز [خانه جهانی] اندیشمندان زیادی شیوه‌ها و تشریح ابعاد مساله را بیان نموده‌اند بطوریکه پس از بیان مساله **دهکده جهانی** در سال ۱۹۷۰ توسط **“مک لوهان”**، **“تافلر فراتر”** از آن **خانه جهانی** را مطرح نمود که معماری مدرن منازل مصداق روشنی از مولفه‌های همان نظریه خانه جهانی است. چرا که خیلی از حریم‌ها و لایه‌ها بواسطه برخی از ویژگیها از میان رفته است. بنابراین شرایط، وجود مشخصه‌های خاصی در نهادهای اجتماعی از جمله آموزش و پرورش نیز ملموس به نظر می‌رسد. **قدرت، دقت، صحت، سرعت، فرصت، اطلاعات و ارتباطات، انبار الکترونیک و شبکه‌های مجازی** از جمله این مشخصه‌ها می‌باشند.

امروز دولتها با شناخت کامل از این رویکرد، وظیفه تعیین تکلیف ملت خود را دارند، بطوریکه، بایستی تا سال ۲۰۱۰ بایستی تکلیف خود را در این عرصه مشخص نمایند، چرا که در غیر این صورت در فراگرد این جریان باز خواهند ماند. در سال ۲۰۱۰، طبقه‌بندی جدیدی برای کشورها معنی‌دار می‌شود، دیگر حرفی از کشورهای پیشرفته یا در حال توسعه و عقب مانده در میان نخواهد بود بلکه بحث از طبقه‌بندی جدید بر مبنای توسعه تحت عنوان کشور، **تند و کند** است بنابراین برای همراهی با این حرکت و پیشگیری از آسیبهایی که متوجه کشورهای کند می‌شود، جز سرمایه‌گذاری برای تنویر افکار، **آموزش و فرهنگ‌سازی** راه دیگری وجود ندارد.

یک مساوی ۲۰۰۰!

معادله یک مساوی ۲۰۰۰ ($۱ = ۲۰۰۰$)، اولین بار توسط ژاپنی‌ها مطرح شد آنها با این اشعار که هر نفر علمی (منبع انسانی) ما برابر با ۲۰۰۰ نفر علمی همان رشته در جهان، حرکت **بسوی توسعه** را آغاز نمودند و امروز سهم آنها از تولیدات علمی همانند بسیاری از کشورهای تراز اول جهان چون آمریکا است. براساس این معادله است که کشور ژاپن دیگر تولیدات صنعتی، الکترونیکی خود را به کشورهای همجوار چون تایوان، تایلند، مالزی و ... داده است و خود صرفاً جهت تولیدات علمی گام بر می‌دارد. چرا که اندیشمندانه به این موضوع رسیده است که حیات در عصر آینده، به میزان تولیدات علمی بستگی دارد و ثروت و قدرت از

آن کسی است که بر آموزش و پژوهش بعنوان یک ابزار قدرت در **فرایند توسعه** تکیه می‌زند و در این معادله تمام اهتمام خود را بر تربیت نیروی انسانی کارآمد خود بکار گرفته است و برای همین الفبای توسعه است!

ملاکهای یک جامعه علمی به سمت توسعه:

۱- توسعه و تحقیق [R & D] را جدی تلقی می‌کند و به ارتباط تنگاتنگ توسعه و پژوهش معتقد است و با عزم راسخ در این مسیر بدور از هر گونه گرایشات سیاسی و اعتقادی گام برمی‌دارد.

۲- بدون تحقیق (پژوهش) هیچ اقدامی صورت نگیرد. به عبارت دیگر در جامعه‌ای که بدون تحقیق تصمیم نمی‌گیرند می‌توان به حرکت جامعه به سمت توسعه و تعالی امیدوار بود. (اول تحقیق سپس تصمیم)

۳- دوری از تئوری پردازیهای صرف و حرکت به سمت کارکردگرایی از دیگر مشخصه‌های جوامعی است که نیل به توسعه را بعنوان یک آرمان در سرلوحه برنامه‌های خود قرار داده‌اند.

۴- بهره‌وری را با شکستن عاداتهای سازمانی ارتقاء بخشیده و سعی دارد بخشی از هزینه‌ها را با ارتقاء بهره‌وری، کم نماید. (مثلاً کاهش هزینه در آموزش و پرورش را می‌توان با کوتاه‌تر کردن دوران تحصیل بدست آورد).

۵- پژوهشگران و معلمان در تصمیمات اثر گذارند و این یکی از بارزترین مشخصات کشورهای به سمت توسعه است. (مشارکت عوامل صفی در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری)

۶- براساس آمایش سرزمین و خوشه‌های فرهنگی جهانی می‌اندیشد و محلی عمل می‌کند و توسعه را رقم می‌زند.

۷- به جای اتکاء به محصولات ذخیره‌ای چون نفت به تولیدات علمی اتکا می‌کند و به صادرات جایگزین و تولیدی رو می‌آورد

۸- منابع انسانی خود را اموال سازمانی می‌شناسد و در جهت آموزش آن سرمایه‌گذاری می‌کند.

امروزه در دنیای متحول دانش و جویش، پژوهش را موتور محرک ملت‌ها^(۸) به سمت و سوی آرمانها و اهداف نام می‌برند. برسه در یکی از دانشگاههای آمریکا نوشته‌اند:

توقف در آموزش توقف در زندگی است و توقف در پژوهش توقف در آموزش و زندگی است^(۹)

در طی سه دهه اخیر تغییرات زیادی در دنیا روی داده است تا جایی که در یک مقاله‌ای عنوان می‌نمایند که ۳۰ می‌باشد یعنی تحولاتی که در طی ۱۹۷۰ سال روی داده بسیار کمتر از تحولاتی است که در طی این ۳۰ ساله اخیر رخ نمایانده است. دنیای ۳۴ ساله اخیر یعنی از ۱۹۷۰ تا ۲۰۰۴ که در آن هستیم و می‌رود تا به ۲۰۰۵ پیوند بخورد تحت عنوان عصر روشنگری، عصر دانایی، عصر مجاز، عصر خرد، عصر پژوهش، عصر امواج و در نهایت عصر و دنیای هفت مولفه قدرت، سرعت، فرصت، ثروت، اطلاعات، ارتباطات و تغییرات سریع نامیده می‌شود.^(۱۰) گرچه در تواریخ قبل از هزاره سوم نیز به تک تک مولفه‌ها نیز اشاراتی شده است از جمله آدام اسمیت تجارت را وافی به قدرت نمی‌داند و از عدم کفایت اقتصاد داد سخن می‌دهد و صراحتاً فناوری و تولید دانش از دریچه پژوهش را مورد تاکید قرار می‌دهد.^(۱۱)

اخیراً نیز در دنیای متلاطم علمی اعلام شده است که سال (۲۰۱۰)^(۱۲) سال تراز تعیین تکلیف بسیاری از ملل در مقوله دانش و (تولیدات علمی و تحقیق) است و کشورها به دو دسته تقسیم خواهند شد یا کشورهای تند یا کشورهای کند و

حدمیانهای در این بین نخواهد بود یعنی یا کشوری اهل پویش، جویش و پژوهش و کوشش و جوشش است و یا اینکه در عرصه پرقابت دانش و تحقیق تماشاگر و در حاشیه و با نقش سایه‌ای^(۱۳) باقی خواهد ماند^(۱۴).

واقعیت این است که حرکت دانشگری و پژوهش‌گرایی در دنیای اسلام از آغاز طلوع آن ساری و جاری بوده است. در ایران نیز حتی قبل از اسلام دانشمندان و محققان و پژوهندگان مقبول و مورد احترام بوده‌اند و همواره مورد توجه خاص و عام و مردم و حاکمان بوده‌اند و حتی نسبت آنها با عوام متفاوت بوده است بهر حال در طول تاریخ عوامل اجتماعی، محیطی و فرهنگی پیچیده‌ای پدیده پژوهش و دانشگری را تحت‌الشعاع قرار داده است و این امر بالاخص حدود ۴۰۰ سال یعنی از حدود قرن ۱۶ میلادی تا قرن نوزدهم، دوره ارتقایی و بالندگی خود را طی نموده که در این میان علاوه بر فلاسفه و اندیشمندان در دنیای اسلام سه شخصیت، بیانگر سه بینش مختلف و شاخص و اثرات گفتار و نوشتار و پژوهش در پدید آمدن دانشگری و علم به معنای نوین آن در قرن نوزدهم و بیستم به وضوح^(۱۵)

از آن پس دنیا حرکت سریع‌تر و شتابنده‌تری گرفت و اگر مک‌لوهان دهه ۷۰ و ۸۰ روزی دنیا را دهکده جهانی نامید کمتر از ۸ سال تافلر آنرا خانه جهانی و باز کمتر از آن زمان نیل پستمن آنرا دنیای همراه^(۱۶) و همراه نامید.

در این دنیای جدید در هر مدرسه و دانشگاه و حتی حوزه‌های درس دینی آموزش و پژوهش دوش به دوش هم حرکت می‌کنند بطور مثال در مقوله حوزه علوم دینی آموزشها کهن هستند اما نه کهنه و اگر طراوت زمان را بطلبند باید با پژوهش و نیازهای روز هماهنگ شوند.

در این دنیای جدید ادعا می‌شود. هر چیز که بوی کهنگی بدهد محکوم به فناست. لذا

کلاس ← درس	پایتخت دانش است
مدرسه ←	سلف سرویس علم است
دانشگاه و ← حوزه	جمهوری علم است
← پژوهش	میوه آموزش است
منابع ← انسانی	موتورها و تانکهای فکری‌اند

در دنیای جدید دانشمندی منسوخ شده است و دنیا، دنیای روشمندی و کاوشگری^(۱۷) است. پژوهش در این دنیا باید بصورت یک فرهنگ درآید و این فرهنگ از بعد فردی به ملی و سپس فراملی و بین‌المللی درآید.

مساله یابی:

در تحقیق مساله یابی، مساله شناسی و مساله کاوی بسیار مهم است و برای این مهم (تفکر سیستمی^(۱۸)) لازم است در تفکر و اندیشه سیستمی محقق مسئله یاب دارای هفت ویژگی است. که عبارتند از:

۱ - تفکر خلاق، نقاد، جامع و ناب و گرایش به سمت (تفکر منطقی^(۱۹))

۲ - آمیزش عقل و شهود

۳ - دیدن کل در جزء (اصطلاحاً مشاهده جنگل در بین درختان)

۴ - پرداختن به چراها نه چگونه‌ها

۵- طرح سؤال و برخورد پرسشی

۶- ژرف کاوی بجای وسعت‌نگری کم عمق

۷- کلان‌نگری و جزء کاوی

از طرفی نیز در یک دیدگاه دیگر و در فرآیند یک تحقیق ساختارمند ۵ مولفه را حیاتی و مهم به شمار می‌روند که عبارتند از:

۱- موضوع مسئله شناسی چون در بیان مساله محقق می‌گوید چه می‌خواهم بگویم؟ یا چه می‌خواهم بجویم؟

۲- صلاحیت‌های علمی محقق

۳- نظارت بر کار تحقیق

۴- ارزشیابی کیفی

۵- کاربرست تحقیق

در موضوع مسأله یابی تحقیق یکی از مهمترین مشکلات و معضلات ما آشنایی با متدها و مدل‌های مسئله شناسی و مسئله یابی است که مستلزم (کار کارگاهی) است.

ریچارد پرینگ^(۲۰) در گزارش سال ۲۰۰۰ خود آورده است که در آمریکا: برای این مقوله و آموزش پژوهش و مساله یابی سالانه بیش از یک میلیارد دلار از وجوه فدرال و دولتی هزینه می‌شود.

و در انگلستان نیز طبق این گزارش نام ۲۸۰۱ مؤسسه علمی - پژوهشی فعال ثبت شده که سالانه حدود ۶۰ تا ۷۰ میلیون پوند فقط برای پژوهش و مساله یابی استفاده می‌گردد.

جواز ورود به عصر جدید:

اساساً ورود به دنیای جدید جواز می‌خواهد و جواز آن تحقیق در کنار آموزش و داشتن کارنامه و برنامه پژوهش و (تولید علم) است. چرا که امروزه ادعا می‌شود اتوبوس دنیا مانند زمان و مد منتظر کسی نمی‌ماند و این اتوبوس، اتوبوس رقابت دانش، پژوهش و مهارتها است و در این عرصه ملتی که نمی‌داند به کجا می‌رود ۲ خطر در پیش رو دارد.

خطر اول: اینست که امکان دارد هر اتوبوسی او را با خود می‌برد^(۲۱).

خطر دوم: خطر رسیدن به جاهای دیگر است (بیراهه روی‌ها)^(۲۲)

بهمین خاطر پژوهش مقارن توسعه یافتگی قلمداد شده است و ایندو الفبای حرکتند، امروزه حتی اگر در مبانی دینی و اسلامی نیز بخواهیم حرکتی نهادینه و فرازین داشته باشیم ناگزیر به تقویت امر پژوهش و فاصله گرفتن از نگارش و حاشیه‌نویسی صرف شویم چرا که دنیای امروز دنیای (کشف و تطبیق^(۲۳)) است. و توقف‌های طولانی در ایستگاههای متروک در تمدن اسلامی نیز ناشی از عادت به وضع موجود و عدم رقم زدن وضع مطلوب است.

نگاهی به سیمای گذشته:

لذا از دلایل توقف رشد تمدن اسلامی و رکود هولناک هشت قرنی که در جوامع اسلامی پشت سر گذاشته‌ایم، بسیار ساده و روشن است و آن گرایش به سمت شاخه‌هایی از دانش و قطع یا لاغر کردن و حذف برخی شاخه‌های دیگر و اکتفا بر (نقل)

بجای لذت (کشف) است. این مسئله در دانشگاه‌های ما نیز تکرار شد ولیکن در دههٔ اخیر شاهد یک تحول اساسی دردگرگون سازی این سیکل معیوب و شتاب به سمت و سوی وضع کارآمدتر و تولید دانش هستیم.

در تاریخ گذشته علمی ما حاکمیت ترکان ظاهرگرا تظاهر به فضل را در جامعه رشد دادند و مغولان که (مدنیت اسلامی) را نابود کردند و تنها بخاطر ترس از ستارگان و افلاک به منجمان احترام می‌گذاشتند، و سپس تیمور و حکومت‌های پیرو ترک -مغول که قطعاً در توقف (رشد جوامع اسلامی) و رکود (پژوهش و روشمندی و لذت کشف) را در پی داشت و بنیانهای بنیادین و نهادین تسخیر علوم را که در جامعه نوپا و دیرپای اسلامی شکوفا شده بود به قعر و حضيض کشید و در رکود مدنیت نیز موثر بود. اما چه چیزی باعث چیرگی ترکان، که زمینه را برای حمله مغولان آماده کردند، شد؟ چگونه حکومت آل بویه که دورهٔ احیای فرهنگی و انسان‌گرایی و (رنسانس اسلامی)^(۲۴) را ایجاد کرد^(۲۵) نتوانست پایه‌های قدرت خود را در برابر ترکان مصون بدارد؟ این موضوعات و امثال آن نشانگرهایی است که ما را متقاعد می‌کند که در این بررسی‌ها نمی‌توان بعد تاریخی و جغرافیایی را از نظر دور داشت، دشتهای وسیع آسیا و اقوام بدون مدنیت اما پرتحرک آن، نشانختن ابزار نوین قدرت و دینامیک جوامع بزرگ در آن دوره، راه را برای به قدرت رسیدن اقوام مهاجم و نابودی (مدنیت علمی و پژوهش اسلامی) و حتی توقف مزیت برترین آن یعنی (تولید علم) شد لذا راه ظهور نمادگرایی و ظاهر گرایی اسلامی را هموار می‌کرد.

مقارنه تاریخی :

اگر به تاریخ بی‌هقی مراجعه ای صورت گیرد اشارات فراوانی از اقتدار نمادگرایی و ظاهر گرایی در آن دوران نگارش یافته است. حاکمان ظاهر گرا راه را برای به قدرت رسیدن متکلمان نمادگرا باز می‌کنند. تدریس (علوم و فلسفه) از مدارس حذف می‌شود. نظامیه‌ها، که بزرگترین مدارس اسلامی هستند، راه به علوم و فلسفه نمی‌دهند^(۲۶)، حتی راه به (تبلیغ) همه مذاهب اسلامی نمی‌دهند. محمد غزالی، دانشمند بزرگ قرن پنجم یکی از سرسخت‌ترین مخالفان آزاداندیشی بود. وی حتی تا جایی پیش رفت که فارابی و ابن سینا را فیلسوف نمایان اسلامی نامید و برخی از سخنان آنان را که مبتنی بر (پژوهش‌های بنیادی)^(۲۷) بود تحت عنوان و واژه‌های (الکفر الصریح) خواند حال اینکه نبوغ ذاتی و علمی ابن سینا در بسیاری از علوم از جمله طب و فلسفه بلامنازع بود و همچنین نظم منطقی که فارابی بر فلسفه التقاطی یونان داشت، بعدها نیز با حکومت ترکان و مغولان در اوج مدنیت اسلامی، ریشه‌های خرد ستیزی کاشته و قدرت حاکمان ظاهرگرا و کلام متکلمان نمادگرا آبیاری شد، که این به دنبال خود رکود و خواری در دنیای اسلام به بارآورد، که تحقق این خواری و اذعان به آن، شش قرن طول کشید. اوج این خط فکری را در دوران صفویه می‌بینیم.

در همان ایامی که خردستیزی و (پژوهش محوری) در جامعه اسلامی رشد می‌کرد، و از قضای روزگار در همان ایامی که امام محمد غزالی یک‌ه تاز علم کلام در جامعه اسلامی شد، فارابی و ابن سینا را به کفر متهم میکردند، و فرایندی معکوس در اروپا در جریان بود. تقریباً همزمان با غزالی در فرانسه پی‌یر آبلار، (۱۱۴۲ م) نخستین روشنفکر بزرگ مدرن، برای خردگرایی ستیز می‌کرد و در این میان حریفی در سطح خود نداشت^(۲۸) و جالب اینکه خودگرایان و پژوهش مسلکان قرن دوازدهم میلادی، همزمان با اوج گیری خرد ستیزی در دنیای اسلام، اذعان می‌کردند که خردگرایی را از مسلمانان آموختند. آدلار دبائی^(۲۹) می‌نویسد:

من از استادان عربم آموختم که عقل را راهنمای خود قرار دهم،
مال آنکه شما به این فرسند هستید که مثل یک اسیر، زنجیر
یک سری دستورات اخلاقی ناقص را فقط به گران داشته باشید.

مقایسه تاریخی :

تاریخ نشان داده است که نه فعالیت برنار بلکه جنبش (خودگرایی آبلار) در نهایت موتور پیشرفت اروپا و ظهور برنامه نیوتونی و بیکنی شد^(۳۰). اما در جهان اسلام اتفاق دیگری افتاد چرا که جهان اسلام دچار توقف های طولانی گردید و این ناشی گری منتج از زاویه دید بعضی از اندیشمندان یک سویه نگر بوده است چرا که همانطوریکه که تواریخ به ما نشان می دهند مذهب اسلام مانعی برای رشد علم ایجاد نکرده است، بلکه به عکس در دوران شکوفایی اش در قرنهای سوم تا پنجم منشاء انسان گرایی و خردگرایی در جامعه شده است. اما در نهایت نمادگرایان مورد حمایت حاکمان ضد فلسفه و تفکر، سیر تاریخ را جهت داده اند. پس نباید انتظار داشت که عصیانی، از نوع عرب روی می داد. از طرفی نیز پشتوانه فرهنگی ایران اسلامی نیز چیزی نیست که بتوان آن را نادیده گرفت و به عنوان یک تجربه بشری از آن در گذشت چرا که بارور کردن این فرهنگ خصوصاً در بعد (اسلامی) آن با ذخیره هایی همچون فردوسی، مولوی، سعدی، حافظ، فارابی، ابن سینا، بیرونی، شیخ انصاری، علامه جعفری، علامه طباطبائی، امام خمینی و ... به معنی بزرگداشت بشریت و شکرگزاری خداوند و ایجاد چشمه جوشان دیگری برای تغذیه جسم و روان جوامع بشری، در کنار تمدنهای بزرگ دیگر دنیا است. و در حقیقت اینان پایه گذاران بینش و پویش اند.

پژوهش و توسعه :

همانطوریکه اشاره شد امروزه پژوهش موتور توسعه است و این امر مهم در علوم تجربی و هم در علوم انسانی و بالخصوص علوم دینی ساری و جاری است. و این امر صرفاً نه در دانشگاه و نه در پایه های فرازین تحصیلات حوزوی شروع می شود بلکه از همان آغاز و از مقدمات و ابتدا شروع می گردد. از مولفه های عمده ترویج روحیه و فرهنگ پژوهش مواردی همچون ایده سازی، خلاقیت، مساله یابی، مساله آفرینی، مساله جوئی، تفکر، تامل، تحمل، تحلیل و سپس تحقیق و عدم توقف و امتناع است.

دانشگاهها و مراکز تربیت معلم نیز در این راستا باید به موارد ذیل عنایت خاص داشته باشند.

الف : بازنگری جدی به واحدهای درسی و تنوع آن

ب : بازنگری جدی به امر تحقیق و متون آموزشی آن

ج : بازنگری جدی به شیوه تدریس روش تحقیق

د : بازنگری جدی به ساعت های تدریس روش تحقیق

ه : عنایت خاص به امکانات و تمهیدات تدریس روش تحقیق

و : توجه ویژه به تهیه بانک اطلاعات پژوهشی در ابعاد انسانی و محتوایی

نکته :

جان مایه کلام اینکه : دنیای امروز دانش در هر حوزه و محوریتی دنیای پیشتازی در یافته ها و شناخته ها و کشفیات است چرا که گذشته ها، داشته ها و انباشته ها به تنهایی کافی نیست گر چه ذخیره، الفباء و محور فعالیت و جوش و کوشش است.

برای یافتن، جستن لازم است و جستن از راه پژوهیدن حاصل می گردد.

نیتزکی و جان برچ^(۳۱) می نویسند "ملتی که به پژوهش و تحقیق و اطلاعات اهمیت ندهد یعنی نمی خواهد حرکت کند و اصطلاحاً (ملت متوقف)^(۳۲) نامیده می شود"

پژوهش ملتها را به حرکت در می آورد و مدارس را زنده و دانشگاهها و حوزه ها را بالنده، اگر به درستی به پژوهش پرداخته شود سرمایه همیشگی است، چون زاینده و پاینده است و اصطلاحاً خودبارور است و اگر در جایی آغاز شود و درست شروع شود و حمایت شود محال است متوقف شود. در حقیقت (پژوهش قلب آموزش است)

پژوهش سرمایه یک تشکیلات است و گاهی ملتی را سالیان متمادی سرفراز می کند.

این مسئله دیگر **اظهر من الشمس** است که عصر ما را به حق **عصر پژوهش های علمی** پیشرفته می نامند و گسترش این مقوله به حدی است که گسترش دانش و تکنولوژی نوین و توانایی استثنایی بشر معاصر را در حل معضلات و مسایل مبتلا به جامعه را حاصل (پژوهش) می خوانند. هر چه مسایل جامعه پیچیده تر باشد، لزوم انجام تحقیقات بارزتر خواهد بود و هر چه دامنه تحقیقات گسترده تر گردد، لزوم سرمایه گذاری و تربیت و جلب نیروهای محقق و همچنین ایجاد تشکیلاتی منسجم پویا به منظور برنامه ریزی. اداره وجهت دادن به فعالیت های پژوهشی کشور حیاتی تر می نماید. در دانشگاهها و حوزه علوم اسلامی و بالآخر حوزه (علوم دین) با گذر زمان و حدوث مسایل جدید و نیاز به نیازهای زمان و پاسخ گویی به سئوالات و شبهات و پیچیدگی ها این مقوله مهمتر و قابل اعتمادتر می نماید.

تحقیق خصوصاً در این عرصه همواره با **جد و جهد، مطالعه وسیع، تردید علمی، علاقه و کاوش پیگیر** همراه است. برخی پژوهش ها به کشف و حل مسائل لاینحل یا رها شده یا قبلی منجر می شود و بعضی پژوهش ها نیز اصلاحگر نگرش ها و ساختارهاست و برخی نیز **اهداف توسعه** دانش و دانایی را در پی دارد.

موانع پژوهش

امروزه در هر منطقه و کشوری موانع متعددی برای انجام تحقیقات وجود دارد که خود عامل مهم رکورد در توسعه پایدار است و از مهمترین موانع در کشور ما یعنی در دانشگاهها و حوزه ها موارد ذیل را میتوان یادآور نمود پر واضح است که تاکید و ابرام بر رفع یا کاهش این موانع در کارآمدی و روشمندی و تکثر محصولات پژوهش اثر مضاعف در پی خواهد داشت و نهایتاً مسیر توسعه هموارتر می شود.

۱- موانع علمی

از جمله این موانع موارد ذیل را می توان بر شمرد.

- آموزش های ضعیف روشی و کارگاهی در امر پژوهش
- آموزش های عمومی و غیر تخصصی و غیر رشته ای
- آموزش های نظری و غیر کاربردی

- عدم تربیت مدرسان فرهیخته
- نداشتن بانک اطلاعات مدرسین و اساتید ذوفن یا ذوفنون پژوهشی
- عدم ترویج روحیه پژوهش و پژوهش گری و بسنده کردن به دانش و دانشمندی صرف
- غلطیدن به کارهای نظری و زعم اینکه پژوهش یعنی تالیف و تدوین صرف
- نداشتن متولیان علمی کارآمد
- به روز نشدن مبانی و ساختارهای پژوهش علمی
- عدم وجود فضای مناسب تحقیق در بسیاری از زمینه ها^(۳۳)

۲- اعتبارات

- عدم سرمایه گذاری و حتی باور به این امر در مورد پژوهش
- عدم صرف بودجه های پژوهشی مصوب در امر مربوط یعنی پژوهش
- ناهماهنگی موضوعات و طرحها و بودجه های مصوب
- فرایند معیوب دارای تامین و پرداخت اعتبارات پژوهش
- فاصله و دره هولناک اعتبارات داخلی نسبت به دیگر کشورها در امر پژوهش (اغلب پروژهها ملی است ولی بودجهها محلی است).

۳- منابع و ابزار تحقیق

- ضعف های بنیادین و بنیادهای علمی - پژوهشی جوامع در حال توسعه
- کمبود کتابها و مجلات علمی کافی و قابل دسترس
- ضعف کتابخانه ها و مراکز اطلاع رسانی در پاسخ به نیازهای پژوهشگران
- کمبود وسایل و تجهیزات
- ناتوانی ممالک جهانی سوم در انتشار نتایج تحقیقات
- کمبود شدید تنوع پژوهش در این ممالک

۴- ساختارهای آموزشی

موارد مهم و زیربنایی در ساختارهای حوزوی و دانشگاهی که به نحو چشمگیری بر ا نجام پژوهش علمی تاثیر می گذارند که شامل مواردی همچون :

- انطباق ناقص ساختار و فعالیتهای عملکردی مراکز آموزشی با فرایند پژوهش
- عدم اولویت گذاری پژوهش در دل آموزشی
- کمبود کادر علمی مجرب پژوهشی
- عدم عنایت به تربیت نیروی تحقیقاتی کارآمد
- گرایش شدید به تحقیقات نظری و بنیادی
- اولویت دادن به مقالات نظری تا تحقیقات کاربردی

- پویایی ضعیف و لاکپشتی برنامه های آموزش و پژوهش
- تقلیدهای کورکورانه و گاهی ناشیانه از امر پژوهش
- نداشتن وقت کافی هیئت علمی بعلت اشتغال بیش از حد در امر تدریس
- سرگردانی، بی تفاوتی و سرخوردگی فراگیران
- فقدان مکانیزمهای هماهنگ کننده

۵- نظام آموزشی

- ناکارآمدی واحدهای درسی
- تکیه بر منابع پیشین در تدریس و عدم استفاده از منابع روز
- فقر واحد پژوهش در کنار واحدهای آموزشی
- عدم پیروی نظام آموزشی نسبت به استفاده بهینه از روش کارگاهی در پژوهش
- مشکل زبان انگلیسی در بهره برداری از پژوهشهای وارداتی

۶- ارتباط داخلی و بین المللی

یکی از معضلات مراکز دینی و دانشگاهی کشور ما در موضوع فوق موارد ذیل است :

- فقدان ارتباطهای قوی با مراکز تولید علم در جهان
- فقدان ارتباط مراکز علمی با مراکز تولیدی، خدماتی، فرهنگی داخلی
- (۱) عدم حمایت مالی ارتباط هیئت علمی با مراکز خارج از کشور بصور رودرو
- بیگانگی مراکز دینی و دانشگاهی با مراکز مشابه و رقبا در خارج
- غفلت از دستاوردهای بین المللی موازی و رقیب یا مشابه
- عدم اطلاع رسانی درست بین المللی پژوهش

۷- سیاستگذاری

سیاست گذاری و خط مشی گذاری ها در امر تحقیقات در مراکز دانشگاهی و حوزوی رویه ثابت و معین ندارند و متأسفانه نگاه بیشتر حالت رفع تکلیفی است تا ترغیبی و حتی گاهی نگاه به پژوهش، نگرش غیر کارآمدی است تا نگاه جایمند و اساسی لذا مواردی همچون :

- نداشتن سیاست بلند مدت پژوهشی
- عدم تصمیم گیری براساس پژوهش در همه امور
- عدم اقتباس صحیح از سیاستگذاری های موفق برخی کشورها در امر پژوهش
- نبود سیاست واحد در امر پژوهش در عین حفظ تنوع و حریم ها و تعداد رشته ها

نگاهی کوتاه به دنیای نظریه پردازی

تعریف توسعه

توسعه از De - Velop یعنی خروج از لفاف (Envelope) است که تا سال ۱۹۴۵ (دنیای آنروز - کشورهای توسعه یافته را در دو بخش از جهانی می دانستند اروپا / آمریکا و ملاک توسعه، توسعه اقتصادی بود.

مایکل تودارو از مهمترین نویسندگان متون توسعه است که توسعه را فرآیند بهبود کیفیت زندگی مردم در سه

جنبه می داند :

۱- ارتقای سطح زندگی مردم

۲- ایجاد شرایط رشد عزت نفس

۳- افزایش حرمت مردم در انتخاب

بعد از این نظریات سیلی از نظریات توسعه خصوصاً (بعد از پایان جنگ جهانی دوم آغاز شد).

نظریات جدید

۱- نظریه نوسازی (مدرنیزاسیون) از دانیل لوفر و روستو

مبنای نظریه «کشورهای در حال توسعه می توانند مراحل مشابه غرب را طی کنند و توسعه یابند» ریشه این نظریه از ق / ۱۹ میلادی و از دو اندیشمند است کانت / مارکس که قابل به مرحله ای بودن تاریخ شد.

۲- نظریه مارکستی

این نظریه پس از جنگ جهانی دوم مطرح شد

مبنای این نظریه مارکس / شین بود.

تجربه ۷ دهه حیات امپراطوری شوروی و بلوک شرق عامل رد این نظریه بوده است.

۳- نظریه توسعه نیافتگی

این نظریه از مجموع نظریات قبلی متولد شد.

مبنای نظریه این بود که در نظام سرمایه داری (اقتصاد Capital) به گونه ای منظم حرکت می کند که موجب عدم توسعه و اختلال در اقتصاد جهانی سوم می شود ریشه این نظریه نیز از نظریه ساختار و نظریه وابستگی حاصل می شود.

الف: نظریه ساختار

ریشه نظریه

ب: نظریه وابستگی

تفاوتها در تعاریف: توسعه اقتصادی و سیاسی

توسعه اقتصادی و رشد اقتصادی

نه تنها میان توسعه ای اقتصادی و سیاسی تفاوت وجود دارد، بلکه میان توسعه ای اقتصادی و رشد اقتصادی نیز

تفاوت زیادی وجود دارد.

رشد اقتصادی

به توانایی استخراج مواد زیرزمینی، خلاقیت، استقلال نسبی در تولید و رفاه کافی برای افراد کشور در زمینه انرژی، درآمد و امور ضروری زندگی یا آهنگ افزایش ملی یا میزان تولید کالا و خدمات در کشور می‌گویند.

توسعه اقتصادی:

توسعه‌ی اقتصادی به افزایش تولید همراه با بهبود کیفی روش‌ها، وسایل تولید و رفع اختلاف درآمد و مالکیت و کنترل اجتماعی و کلیه دارایی‌های تولید گفته می‌شود.

رشد:

رشد عبارتست از افزایش درآمد ناخالص ملی که ممکن است این افزایش به گونه‌ای مقطعی و بر اثر تحولات خارجی صورت پذیرد و یا به فروش مواهب طبیعی کشور مبتنی باشد.

توسعه:

توسعه نهادینه کردن و پایداری رشد اقتصادی جامعه است که در یک پروسه مشخص به دست می‌آید و چون مبتنی بر دستاوردهای داخلی و تلاش متخصصان و مدیران یک کشور است کمتر از تحولات جهانی و یا منطقه‌ای تأثیر می‌پذیرد.

مصادق تعاریف: بطور مثال

افزایش تعداد تاکسی‌ها و وسایل نقلیه در یک شهر، نشان دهنده رشد است اما توسعه زیر ساخت‌هایی چون مترو، ایجاد بزرگراه‌ها، تعریض خیابان‌ها، احداث پل‌های زیرگذر و روگذر، رعایت دقیق مقررات راهنمایی و رانندگی و تقویت فرهنگ رانندگی، نشانگر توسعه می‌باشد.

تولید ناخالص ملی Gross National Product

ارزش پولی کل کالاها و خدمات تولید شده در یک اقتصاد در یک دوره‌ی معین (مثلاً یک سال) و بر اساس قیمت جاری بازار قبل از کسر استهلاک و سایر مخارج مربوط به استهلاک کالاها و بادوام

تولید ناخالص داخلی Gross Domestic Product

ارزش کالاها و خدمات تولیدی در یک کشور به قیمت جاری و در یک دوره‌ی معین مثلاً یک سال درآمد سرانه هر کشور بر اساس تولید ناخالص ملی و تعداد جهت آن کشور محاسبه می‌شود.

وضعیت ایران

بر اساس گزارش توسعه‌ی انسانی ۲۰۰۳، طی سال‌های ۱۹۷۵-۲۰۰۱، متوسط نرخ رشد سالانه درآمد سرانه ایران منهای ۰/۶ درصد بوده است. شاخص درآمد سرانه مهم‌ترین نماگر سطح رفاه اقتصادی مردمان یک کشور است.

طی این سال‌ها رفاه مردم ایران و قدرت خرید آنها نسبت به سال قبل کمتر شده است این در حالی است که در همین مدت نرخ رشد درآمد سرانه کره جنوبی ۶/۲، چین ۸۲ و ترکیه ۲/۰ درصد بوده است

طبق همین آمار در سال ۱۹۷۵ درآمد سرانه ایران ۴ هزار و ۳۸۶ دلار و درآمد سرانه کره جنوبی ۱۶۴۱ دلار بود (با قدرت خرید دلار سال ۱۹۸۷) یعنی درآمد سرانه ایران سه برابر کره جنوبی بود اما در سال ۲۰۰۱ میلادی این شاخص برای ایران و کره جنوبی به ترتیب ۱۷۶۷ و ۸ هزار و ۹۱۶ دلار بود. یعنی درآمد سرانه کره‌ای‌ها به بیش از ۵ برابر درآمد سرانه ما افزایش یافته است.

از لحاظ رشد اقتصادی، رشد سالانه نیز یک شاخص مهم برای بررسی عملکرد اقتصادی یک کشور است، متوسط رشد سالانه تولید ناخالص ملی (GNP) طی سال‌های ۱۹۷۵ تا ۱۹۹۵ برای ایران ۰/۴ درصد و در همین مدت عملکرد کره جنوبی از لحاظ رشد این شاخص ۸/۴ درصد و برای چین نیز ۸/۴ درصد بوده است.

بخش مهمی از این کاهش شاخص‌های اقتصادی به مسایل انقلاب، جنگ تحمیلی و تحریم پس از آن باز می‌گردد اما عامل ساختاری آن به اقتصاد تک محصولی ایران باز می‌گردد. نفت عمده‌ترین منبع درآمد ایران محسوب می‌شود. قیمت این منبع خام در اثر تحولات مختلف در سراسر دنیا به شدت تغییر می‌کند.

برخی از کشورهای صادر کننده نفت (اوپک) که طرفدار آمریکا بودند، با افزایش عرضه نفت به بازار جهانی باعث شدند که قیمت هر بشکه نفت به زیر ۷ دلار برسی و به این صورت درآمد ایران به کمتر از ۱۶ میلیارد دلار در سال رسید. این در حالی است که هزینه کنگ که بخشی از چین محسوب می‌شد، صرفاً در یک سال بیش از ۴۰ میلیارد دلار وسایل اسباب‌بازی کودکان را صادر می‌کند.

یکی دیگر از مشکلات اقتصادی کنونی ایران، بدهی‌های خارجی آن است. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در آخرین گزارش خود (آبان ۸۲) میزان بدهی کشور در سال‌های گذشته با کاهش متوسط ۹/۹ درصد از ۱۳ میلیارد و ۹۹۹ میلیون دلار در سال ۱۳۷۷ به ۹ میلیارد و ۲۵۰ میلیون دلار در پایان سال ۱۳۸۱ رسیده است. به گفته رئیس این بانک منابع ارزی صادرات بخش نفت از ۱۹ میلیارد و ۳۳۹ میلیون دلار در سال ۱۳۸۰ به ۲۲ میلیارد و ۸۰۷ میلیون دلار در سال ۱۳۸۱ رسید. بر همین اساس میزان صادرات غیرنفتی در سال‌های گذشته به ۵ میلیارد و ۳۷۹ میلیون دلار و میزان واردات به ۲۳ میلیارد و ۷۸۶ میلیون دلار بالغ شد. به استثنای محدود سال‌هایی که قیمت هر بشکه نفت در سطح بالایی باقی می‌ماند، رابطه صادرات و واردات ایران تعادل نداشته و در نتیجه تراز بازرگانی ایران منفی می‌شود.

مقایسه جایگاه اقتصادی ایران با کشورهای دنیا

بر اساس گزارش توسعه انسانی ۲۰۰۳ رتبه ایران از نظر تولید ناخالص داخلی با ۱۱۴ میلیارد دلار سی و سوم است. اما از لحاظ تولید ناخالص داخلی سرانه ایران با یک هزار و ۷۶۱ دلار در رتبه کشورهای دنیا قرار دارد. اگر این رده‌بندی بر اساس برابری قدرت خرید صورت گیرد (یعنی دلار معادل ۵۰۰ تومان باشد) ایران از نظر تولید ناخالص داخلی سی و دوم و از لحاظ تولید ناخالص داخلی سرانه شصت و سوم می‌شود.

از نظر میزان کل تولید ناخالص داخلی به ترتیب آمریکا ۱۰۰۶۵/۳ میلیارد دلار رتبه نخست، سپس ژاپن ۴۱۴۱/۴، آلمان ۱۸۴۶/۱ انگلیس ۱۴۲۴/۱ در رتبه‌های یک تا چهار قرار دارند. کره جنوبی سیزدهمین کشور دنیاست که ۴۲۲/۲ میلیارد دلار، عربستان رتبه ۲۲ با ۱۸۶/۵ میلیارد دلار و ترکیه دارای رتبه ۲۷ با ۱۴۷/۷ میلیارد دلار است.

از نظر درآمد سرانه لوکزامبورگ با ۵۳ هزار و ۷۸۰ دلار برای هر نفر در رأس است و پس از آن آمریکا با ۳۴ هزار و ۳۲۰، ایرلند، ۳۲ هزار و ۴۱۰، ایسلند ۲۲ هزار و ۹۹۹ قرار دارند، کویت با ۱۸ هزار و ۷۷۰ دلار در رتبه ۲۶، کره جنوبی با ۱۵ هزار و ۹۰ در رتبه ۳۲، عربستان با ۱۳ هزار و ۳۳۰ در رتبه ۳۴، بحرین با ۱۲ هزار و ۳۴۰ و عمان با ۱۲ هزار و ۴۰ در رتبه‌های ۳۶ و ۳۷ قرار دارند.

شاخص‌های جدید توسعه

یکی از جدیدترین شاخصه‌های توسعه در عصر جهانی شدن، بهره‌مندی افراد یک کشور از تکنولوژی‌های ارتباطی و اطلاعاتی است.

در عصر کنونی که به عصر دیجیتال مشهور شده و خود نیز محصول تعامل پیچیده ترکیبی از علوم و تکنولوژی‌ها از جمله الکترونیک، ارتباطات سایبرنتیک، هوش مصنوعی، واقعیت مجازی و ... است، تمامی حوزه از جمله اقتصاد، آموزش، ارتباطات، تفریح، جنگ، هنر و ... تحت تأثیر قرار گرفته است.

با توجه به تسهیلاتی که این تکنولوژی در حوزه‌های مختلف و به ویژه اقتصاد دارد، کشورها و افراد آنها با توجه به میزان دسترسی به این تکنولوژی بار دیگر تقسیم‌بندی شده و به همین اصطلاح «شکاف دیجیتال» مطرح شده است. بر اساس شاخص‌های چهارگانه:

۱- زیرساخت کامپیوتر (سرانه PC نصب شده، درصد و مخارج PC و ...)

۲- زیرساخت اینترنت (حجم کاربران آن)

۳- زیرساخت ارتباطات (تعداد خطوط تلفن و هزینه آن)

۴- زیرساخت اجتماعی (تعداد دانش‌آموزان، نرخ خوانندگان روزنامه و ...). کشورهای جهان به پنج گروه رتبه‌بندی شده‌اند.

الف) گروه اول Skaters نامیده می‌شوند که شامل ۱۵ کشور است که نخستین آنها سوئد و آخرین آنها هنگ کنگ است و این کشورها اسکیت به پا بسته و تند و شتابان در هر مسیر دیجیتالی حرکت می‌کنند.

ب) گروه دوم Striders هستند که شامل ۱۲ کشور از جمله زلاندنو و جمهوری چک هستند. این گروه با گام‌های بلند، مؤثر و هدفمند وارد عصر اطلاعات شده‌اند.

ج) گروه سوم Sprinters یا دوندگان پرسرعت با تمام نیرو تلاش می‌کنند که راه را برای دیجیتالی شدن هموار کنند. امارات متحده در رأس ۱۶ کشور این گروه واکوادر آخرین آنها می‌باشد.

د) گروه چهارم را Strollers می‌نامند. ۱۲ کشور این گروه تفریح‌کنان در مسیر دیجیتالی شدن مشغولند عربستان و پاکستان جز این کشورها هستند.

هـ) گروه پنجم Starters یا تازه واردان هستند که ایران یکی از اعضای پانزده گانه آن است. به جز این ۷۰ کشور در گروه‌های پنجگانه، بقیه کشورها هنوز وارد عصر دیجیتالی نشده‌اند.

توسعه سیاسی

توسعه‌ی سیاسی برخلاف توسعه‌ی اقتصادی، کمیت پذیر نیست. یعنی نمی‌توان شاخص‌های آن را بر اساس آمار و ارقام نمایش داد. هرچند که برخی از شاخص‌ها تا حدودی قابلیت نمایش آماری دارند.

از توسعه سیاسی، تعاریف بسیار زیادی انجام شده است.

ساموئل هانتینگتون، یکی از نظریه پردازان بزرگ توسعه سیاسی (بنیانگذار نظریه نبرد تمدن‌ها) توسعه سیاسی را بر اساس میزان صنعتی شدن، تحرک و تجهیز اجتماعی، مشارکت سیاسی، استقلال، انعطاف‌پذیری و ... تعریف می‌کند. **گابریل آلموند**، بر تنوع ساختاری، فرهنگ دنیوی و سطح بالای استقلال نظام‌های فرعی تأکید می‌کند. کارل دویچ، معیار عده توسعه‌ی سیاسی را تحرک اجتماعی می‌داند، ایزن اشتات، توسعه سیاسی را توزیع اقتدار سیاسی در کلیه بخش‌ها و حوزه‌های جامعه مدنی می‌کند و

در یک تعریف کلی و عمومی، **توسعه‌ی سیاسی**، فرآیندی است که در آن یک جامعه‌ی سیاسی از نظر توسعه‌ی اقتصادی در سطح مطلوبی می‌باشد، حاکمان آن دارای مشروعیت بوده و مردم با مشارکت سیاسی فعال در چارچوب تشکلهای سیاسی نظیر احزاب، آنها را برای مدت معینی انتخاب نمایند.

ایران از نظر توسعه‌ی سیاسی نسبت به سایر کشورهای منطقه، در سطح بالاتری قرار دارد و در واقع یکی از پیش‌تازان در این حوزه می‌باشد که حداقل از یکصد سال پیش به فکر توسعه‌ی سیاسی بوده است. اما سابقه تاریخی استبداد در جامعه ایران باعث شده است که فرهنگ توسعه‌ی سیاسی در این کشور آن‌گونه که شایسته آن است، پیشرفت نکند.

امروز در جامعه ایران تمامی اقشا از حق رأی برخوردارند. این در حالی است که در کشوری مثل عربستان زنان هنوز دارای شناسنامه نیستند و سند هویت آن‌ها برگه‌ای است که به شناسنامه پدر و یا شوهران آن‌ها ضمیمه می‌شود. مطبوعات در ایران به رغم برخی محدودیت‌ها، آزاد هستند. تمامی مراجع قدرت توسط مردم انتخاب می‌شوند. هرچند که تفسیر برخی نهادهای محدودیت‌هایی را در این زمینه به وجود می‌آورد.

استفاده از **فرهنگ غنی اسلامی** و عنایت به سنت و سیره پیامبر و ائمه معصومین به ویژه حضرت علی (ع) می‌تواند نواقص کنونی جامعه را در بعد **توسعه‌ی سیاسی** برطرف کرده و ایران را به صورت یک الگوی ممتاز برای سایر کشورها به ویژه منطقه خاورمیانه تبدیل کند.

نکته آخر :

۱- انسان (منابع انسانی)

نکته آخر اینکه اول و آخر مقوله توسعه سه چیز است : ۲- آموزش (کیفی)

۳- تعریف مناسبات خود با دنیای مجازی هزاره سوم

نهایت اینکه اول و آخر توسعه انسان است و آنهم انسانی که دائماً در حال آموزش و یادگیری است و آموزشهای چنین انسانی باید کیفی، ارتقایی، استاندارد و مهارتی باشد.

نتیجه گیری :

با عنایت به فضای بحث مقاله و تحولاتی که در دنیای امروز گستردگی خود را آشکار نموده است **قاعده پژوهش گرایی و توسعه** احیای آن در وسعت شایسته امری بایسته است. **دنیای پرتلاطم** علم و دانش امروز در هر زمینه ای نیاز به تدوین و موشکافی مناسب نیازهای عصری، نسلی و حتی فصلی است. و این مهم زمانی به سامان می رسد که ارباب تصمیم گیر و مدیران استراتژیک مجموعه های علمی و آکادمیکی و بالاخص دانشگاهها و حوزه رویکرد دانش مندان را به سمت جاده روشمندان هدایت کنند که در این مسیر گریزی از پژوهش نیست. چرا که واقعیت های مکتوب و مستند نشان می دهد که حرکت دانشگری و

پژوهش مداری در دنیای اسلام از آغاز طلوع آن ساری و جاری و مورد احترام، تکریم، تقدیر و ترویج بوده و هست و رگمارغم عوامل پیچیده اجتماعی، محیطی و فرهنگی عصر اسلامی این مهم بالندگی های فراوانی را تجربه نموده است. از جهتی نیز مساله یابی در تحقیق خصوصاً در حوزه کاری علوم اسلامی مهم است که نیازمند محققین مساله یاب با تفکر خلاق و ژرف کاو است. امروزه جواز ورود به عصر جدید را تولید علم می دانند و اساساً تولید علم، متوقف در امور نظری و تئوریک صرف نیست. سیمای گذشته کشور ما در بعد دانش و روش درخشندگی ها، کاهلی ها، خوابهای طولانی و ممتد و گاهی بالندگیهایی را به نمایش می گذارد که در حوزه دین بر امر پژوهش گذشته است. و امروزه ۲ شعار عمره دنیا مطمحن نظر است :

۱- پژوهش قلب و توسعه آموزش است.

۲- بدون پژوهش تصمیم گیری نکنیم.

۳- هیچ جامعه بدون آموزش صحیح و پژوهش روشمند مسیر رشد و توسعه را طی نکرده است.

و این نکته مهم است که بدانیم که تحقیق مخصوصاً در این عرصه ها همواره مستلزم جد و جهد، شکیبایی مطالعه ژرف و تردید علمی و علاقه و کاوش مستمر است. گرچه موانع فراوانی نیز در راه پژوهش است که حل آنها عامل توسعه است و در این مقاله به هفت دسته و هر کدام در چند مولفه مورد اشاره قرار دادیم.

سخن آخر اینکه غفلت در ترویج فرهنگ پژوهش و آموزش جایمند فاصله ما را با دنیای جدید و در عصر حاضر دو چندان می کند و فرهیختگی ملل در هر زمینه ای با تولیدات علمی شان سنجیده می شود پس بیائیم سنجیده تر به این مقوله بنگریم.

۱ - شعار پژوهش سال ۸۲، وزارت تحقیقات، علوم و فناوری

2 - professional

3 - self - evaluation or self - regulation

4 - benchmarking الگو گرفتن از بهترین‌ها

5 - stephen.p.robbsins.**organization theory**.N.J.1987

6 - Developmant

7 - Research and Development (R & D)

۸ - نادر قلی قورچیان، برنامه ریزی استراتژیک، تهران : واحد علوم و تحقیقات، مقطع دکتری، ۱۳۷۹، ص ۲۵

۹ - سیدمحمد مقیمی، جلسه اندیشگان پیرامون استانداردسازی، تهران : معاونت برنامه ریزی وزارت آموزش و پرورش، پاییز

۱۳۸۲.

۱۰ - نیل پستمن، زندگی در عیش، مردن در خوشی، ترجمه دکتر طباطبائی، تهران سروش، ۱۳۷۸

11 - Terence Kealey, **the Economic lows of Scientific Research**, Macmillan press, London 1996.

(به نقل از ایران ۱۴۲۷ رضا منصوری ص ۹۲)

۱۲ - محمدعلی طوسی، سیاستگذاری در نظامهای آموزشی، تهران : واحد علوم و تحقیقات، دوره دکتری ۱۳۷۸ : ص ۱۸

13 - Shadwo Role

۱۴ - نادر قلی قورچیان، برنامه ریزی استراتژیک، ص ۳۸.

15 - Gerald Holton, **Science and Anti - Science**, Harvard University press, Cambridge, Massachusetts' 1993

16 - Global mobile

17 - Discovery world

18 - Systematic thinking

19 - Logical thinking

20 - Richard pring (2000) **philosophy of Education Reserch**.

۲۱ - برگرفته از مقاله جعفر رحمانی، ماهنامه پرسمان، سال ۸۲

۲۲ - میگر، نظارت و راهنمایی تعلیماتی، ترجمه دکتر محمدرضا بهرنگی، ۱۳۷۶

23 - Discovery and Comprative.

24 - Islamic Renesance.

۲۵ - جوئل، کرمر، احیای فرهنگی در عهد آل بویه، انسان گرایی در عصر رنسانس اسلامی، تهران : مرکز نشر دانشگاهی، تهران ۱۳۷۵
ر.ک : رضا منصوری، ایران ۱۴۲۷ ص ۲۵ نشر طرح نو ۱۳۷۷.

۲۶ - عبدالهادی حائری، نخستین رویارویی های اندیشه گرایان ایران با دو رویه تمدن بورژوازی غرب، تهران : انتشارات امیر کبیر
۱۳۷۲ ر.ک. رضا منصوری، ایران ۱۴۲۷ ص ۲۶.

27 - Research

۲۸ - ژاک لوگوف، روشنفکران در قرون وسطی. تهران : نشر مرکز، ۱۳۷۶.

۲۹ - همان. ص ۷۱.

۳۰ - جوئل، ل، کرمر(منبع ۱۱)

۳۱ - گری گراد نیتزکی و جان لوچ، مدیریت سیستمهای اطلاعاتی، ترجمه : منوچهر غیبی، تهران، انتشارات مرکز مدیریت دولتی ۱۳۷۶.

32 - Nation stop

۳۳-سعید امینی نیک، مریم میرشمس، آیشا مظفری، "پژوهش در ایران"، تهران، مجله گلشن جامعه ۱۳۸۱، صص ۴۹-۴۳